



## توهين به مقدسات و خلأهای قانونی موجود در قانون مجازات اسلامی

پدیدآورنده (ها) : صالحی، فاطمه سادات

ادیان، مذاهب و عرفان :: نشریه معرفت :: دی ۱۳۸۳ شماره - شماره ۸۵ (ISC)

صفحات : از ۶۸ تا ۷۱

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/300348>

تاریخ داندود : ۱۴۰۲/۰۷/۲۵

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است. بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه قوانین و مقررات استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- توهین به مقدسات دینی به مثابه ی جرمی علیه امنیت ملی
- بررسی جایگاه حقوقی توهین در قانون ایران
- توهین به مقدسات از منظر ادیان ابراهیمی و نظام‌های حقوقی غربی
- توهین به مقدسات اسلامی در آینه قانون مجازات ایران
- توهین به مقدسات در بوته ی نقد
- توهین در رسانه از منظر حقوق بین‌الملل و حقوق ایران
- توهین به مقدسات در حقوق کیفری ایران
- ماهیت و حکم توهین به مقدسات سایر مسلمانان
- پاسخ به شبهه توهین به اشخاص و گروه‌های اجتماعی در قرآن
- جرم اهانت به مقدسات در نظام حقوقی «اسلام» و «کامن لا»
- مقدسات و توهین به آن در حقوق کیفری ایران
- توهین و افتراء در نظم حقوقی کنونی

## عناوین مشابه

- توهین به مقدسات اسلامی در آینه قانون مجازات ایران
- تحلیل فقهی و نقد موادی از قانون مجازات اسلامی/ راجع به مسولیت بیت المال در پرداخت دیه قتل
- نگاهی انتقادی به تعریف دامیه در فقه و قانون مجازات اسلامی با رویکردی هم‌گرایانه با اصل کیفیت قانون
- بررسی تطبیقی آزادی مشروط در حقوق ایران و فرانسه با رویکردی به قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲
- اظهارنظر کارشناسی درباره: « طرح الحاق موادی به کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات های بازدارنده) در خصوص اهانت به ادیان و مذاهب قانونی و اقوام ایرانی» (اعاده شده از شورای نگهبان(۲))
- بازه زمانی مجاز برای بهبود آسیبهای جنایی در فقه و قانون مجازات اسلامی: از مدت‌گرایی تا مرجعیت سازمان پزشکی قانونی
- ممنوعیت قانونی فعالیت تبلیغی بهائیان در ایران (براساس قانون الحاق دو ماده به قانون تعزیرات و مجازات های بازدارنده ( ۴۹۹ و ۵۰۰ مکرر))
- بررسی فقهی - حقوقی رویکرد قانون مجازات اسلامی جدید به سن رشد و مسئولیت کیفری کودکان در پرتو اسناد بین‌المللی
- بررسی و ارزیابی حقوق غیر مسلمانان در فقه امامیه و قوانین مربوطه به خصوص قانون مجازات اسلامی ایران
- نسبت رابطه استناد و قاعده احسان در اسقاط مسؤولیت پزشک با نگاهی به قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

# توهین به مقدسات

## و خلأهای قانونی موجود در قانون مجازات اسلامی

فاطمه سادات صالحی

### مقدمه

در سال‌های اخیر، مسئله آزادی‌های فردی و تحرک اجتماعی در جامعه، ظهور و بروز بیشتری پیدا کرده، کشمکش و اصطکاک میان سلیقه‌ها، دیدگاه‌ها و مواضع شخصیت‌های حقیقی و حقوقی و طرفدارانشان رشد رو به فزاینده یافته است و در نتیجه، جرم توهین در عرصه‌های اجتماعی و حتی سیاسی موضوعیت نظری و عملی بیشتری پیدا کرده است.

با وجود اهمیت روز افزون شناخت جرم «توهین» برای محافل حقوقی و سیاسی، به نظر می‌رسد ماهیت این جرم برای فعالان اجتماعی، سیاسی، مجریان قانون و حتی قانونگذاران دقیقاً شفاف نیست، به گونه‌ای که بعضاً در تشخیص وقوع این جرم و مجازات‌های متناسب آن نزد افکار عمومی و حتی حقوقدانان سوء تفاهم‌هایی ایجاد شده‌اند.

در این نوشتار، سعی می‌شود تا به شفاف‌سازی این جرم به ویژه «توهین به مقدسات» و مفاهیم حقوقی و قانونی مرتبط با آن و خلأهای قانونی موجود پرداخته شود.

### «توهین» در لغت و اصطلاح

دهخدا در لغت‌نامه مشهور خود، «توهین» را این‌گونه معنا کرده است: «توهین: سست کردن، سست گردانیدن، سست شمردن، حقیر و سبک داشتن»<sup>(۱)</sup>

اما در کنار معنای لغوی و واژه‌شناسی، آنچه مدنظر است، معنای اصطلاحی «توهین» است. دکتر جعفری لنگرودی در کتاب ترمینولوژی حقوقی در بیان معنای اصطلاحی این کلمه می‌نویسد: «توهین (یا اهانت) کاری است که متضمن

اسناد و اخبار نبوده و به نحوی از انحا در حیثیت فرد متضرر از این جرم، نوعی وهن وارد کند»<sup>(۲)</sup>

بنابراین، در توهین:

۱. الفاظی که به حیثیت طرف لطمه وارد می‌کند، به کار می‌رود. بعضی الفاظ ذاتاً موهن نیست، ولی طرز تلفظ آن موهن است. بعضی الفاظ در بعضی از منہ یا امکان موهن است.

۲. با ملاحظه شخصیت طرف جرم، باید موهن بودن لفظ یا عمل محرز گردد»<sup>(۳)</sup>

در فرهنگ اصطلاحات حقوق جزا نیز در بیان معنای اصطلاحی «توهین» آمده است: «توهین در جزا عبارت است از: کوچک کردن کسی از طریق کلمات یا اعمالی که موجب سوء ادب به شخص تلقی شود»<sup>(۴)</sup>

با توجه به تعریف‌هایی که از نظر لغت و اصطلاح از کلمه «توهین» به عمل آمده‌اند، این جرم در تقسیم‌بندی‌های حقوقی به چهار قسم تقسیم می‌شود. باید توجه داشت که توهین به اعتبار مقام و شخصیت قربانی جرم و یا بر اساس وسیله ارتکاب به چهار دسته تقسیم می‌شود که پرداختن به همه آن‌ها در این مجال نمی‌گنجد، اما برای تقریب به ذهن، تعریف مختصری از هر یک لازم به نظر می‌رسد:

### ۱. توهین ساده

این قسم از توهین، ساده‌ترین و خفیف‌ترین نوع از انواع توهین از حیث ویژگی و در نتیجه، از حیث مجازات می‌باشد که ماده ۶۰۸ قانون «مجازات اسلامی» درباره آن چنین مقرر کرده است: «توهین

به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک، چنانچه موجب حدّ قذف نباشد، موجب مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود.»<sup>(۵)</sup>

ذکر این نکته ضروری است که راست یا دروغ بودن نسبت‌ها در توهین شرط نیست. موهن شدن واقعی طرف نیز ضرورت ندارد، بلکه تنها این مهم است که گفتار یا رفتار اهانت‌کننده بالقوه و عرفاً وهن آور تلقی شود، ضمناً علنی بودن آن نیز شرط نیست.

همچنین لازم به ذکر است که در جرم توهین، ارتجالی بودن عمل شرط است؛ یعنی در صورتی فحاشی و توهین یا استعمال الفاظ رکیک قابل مجازات است که توهین شخص در جواب فحش یا توهین مخاطبش نباشد. بنابراین، چنانچه شخص به دیگری اهانت نماید و طرف مقابل تحریک شود به پاسخ‌گویی اهانت او، به وی اهانت نماید مجازات نخواهد شد.

## ۲. توهین مشدد

گاهی به دلیل شأن و منزلت شخص توهین‌شونده، توهین‌کننده با واکنش شدید قانونگذار مواجه است؛ یعنی در مواردی که توهین‌شونده دارای موقعیت و منزلت خاص مذهبی، اجتماعی و یا سیاسی باشد، قانونگذار برای اهانت‌کننده مجازات‌های شدیدتری پیش‌بینی کرده است.

در قانون «مجازات اسلامی»، از توهین به حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری (در ماده ۵۱۴) و توهین به مقامات دولتی داخلی و خارجی (در ماده ۶۰۹) و توهین به مقدّسات (در ماده ۵۱۳) به عنوان مصادیق توهین مشدد یاد شده است.

## ۳. توهین مستوجب حد

به توهینی اطلاق می‌شود که مجازات آن از نوع حد است، نه تعزیر. «قذف» به عنوان توهینی که مجازات آن حد است، از بارزترین مصادیق این توهین به شمار می‌رود. «قذف» در لغت، به معنای پرتاب، دفع ناسزا، دشنام و بدزبانی آمده است.<sup>(۶)</sup> اما در اصطلاح فقهی، نسبت دان عمل منافی عفت زنا یا لواط به دیگری می‌باشد. به دلیل آنکه این نسبت‌های ناروا خود به نوعی به شخصیت طرف جرم لطمه وارد می‌کند و با عرض و ناموس افراد سر و کار دارند، ذیل جرم «توهین» با مجازات شدیدتر نسبت به موارد توهین ساده و فحاشی، الفاظ رکیک و زشت قرار گرفته‌اند.

## ۴. هجو

توهین به اعتبار وسیله ارتکاب عمل را «هجو» گویند؛ بدین معنا که در هجو فرد، به شکل عبارت منظوم یا منثور فرد یا افرادی را مورد تهاجم و توهین قرار دهند. «هجو» در لغت به معنای شتم و دشنام و برشمردن عیوب آمده است.<sup>(۷)</sup>

مطابق ماده ۷۰۰ قانون «تعزیرات»، «هرکس با نظم یا نثر یا

به صورت کتبی یا شفاهی کسی را هجو کند یا هجویه را منتشر نماید، به حبس از یک تا شش ماه محکوم می‌شود.»

ذکر این نکته حایز اهمیت است که قانونگذار در بحث «توهین مشدد»، شخصیت افراد را مورد استفاده قرار داده تا به اعتبار مقام و منزلت ایشان، فرد توهین‌کننده به ایشان مجازات شود. اما در هجو، این خلأ در قانون وجود دارد که ماده بر همه افراد اطلاق دارد و به اعتبار شخصیت افراد، اگر کسی هجو نماید، مجازات شدیدتری نسبت به افراد عادی برایش مقرر نشده است.

## توهین به مقدّسات

پس از توضیح مختصر و اشاره به تقسیم‌بندی‌های حقوقی موجود در خصوص انواع توهین، لازم به توضیح است که آنچه مدنظر این مقال می‌باشد، توهین «مشدد»، آن هم از نوع توهین به مقدّسات می‌باشد؛ مبحثی که امروزه بنا به تحركات اجتماعی و سیاسی موجود در جامعه امروز و حتی در جهان کنونی اهمیت روزافزون یافته است. اما ابهاماتی که در این زمینه و یا حتی خلأهای قانونی موجود وجود دارند، مشکلاتی فراراه مجریان و متصدیان قانون و حتی عموم مردم قرار داده‌اند.

در این قسمت سعی شده است تا به بررسی بیشتر این مسئله - یعنی توهین به مقدّسات و مواد قانونی موجود در قانون مجازات اسلامی - پرداخته شود.

ماده ۵۱۳ قانون «مجازات اسلامی» درباره «توهین به مقدّسات» آورده است: «هر کس به مقدّسات اسلام و یا هر یک از انبیای عظام و یا ائمه طاهرين علیهم‌السلام یا حضرت صدیقه زهرا علیها‌السلام اهانت نماید، اگر مشمول حکم سب‌النبی باشد، اعدام می‌شود. در غیر این صورت، به حبس از یک سال تا پنج سال محکوم خواهد شد.»<sup>(۸)</sup>

باید توجه شود که درباره مصادیق خارجی «مقدّسات»، که در ماده ۵۱۳ مورد اشاره قرار گرفته است، میان حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد.

دکتر میرمحمد صادقی معتقد است: «منظور از مقدّسات اسلام در درجه اول، ذات باری تعالی و پس از آن، همه مکان‌ها و چیزها و اشخاص هستند که از لحاظ موازین دین اسلام، مقدّس و قابل احترام محسوب می‌شوند؛ مثل قرآن کریم یا کعبه، یا مزار پیامبر و امامان علیهم‌السلام و یا شخصیت‌های مورد احترام سایر مذاهب که از نظر اسلام واجب‌التعظیم هستند (مثل حضرت مریم و یا هاجر علیها‌السلام) و یا شخصیت‌های مذهبی (مثل حضرت ابوالفضل یا علی اکبر یا زینب یا خدیجه علیها‌السلام).»<sup>(۹)</sup>

نظر مخالف گفته مزبور معنای واضحی برای مقدّسات اسلام قایل نیست و معتقد است: برخی چیزها مانند نماز و روزه و حج برای همه مسلمانان مورد احترامند، اما مواردی هم وجود دارند که اجمالی‌اند و مشهور فقها بر آن عقیده‌اند؛ مثل وجوب قتل مرتد.

بنابراین، آیا اگر کسی مخالف اجماع نظری ارائه بدهد به مقدّسات اهانت کرده است یا خیر؟<sup>(۱۰)</sup> صاحب عقیده مزبور نظر را به عهده عرف متشرّعه واگذار نموده است.

با توجه به آراء مزبور، به نظر می‌رسد عرف متشرّعه - یعنی رویه و عرفی که شرع مقدّس بر اساس آن وجود دارد - بهترین مرجع برای تعیین مصادیق مقدّسات است؛ چراکه علاوه بر موارد یاد شده چیزها و یا مکان‌ها و افراد دیگری هم وجود دارند که برای مسلمانان مقدّس و قابل احترامند. از این رو، باید یک قالب کلی وجود داشته باشد تا به طور جامع و مانع، به تعریف مصادیق مقدّسات مورد احترام اسلام بپردازد تا ابهامی در این زمینه پیدا نشود.

برای مثال، مسئله «تقلید» برای ما شیعیان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و هرگونه اهانت و یا زیر سؤال بردن این مسئله، که طبعاً مسئله مرجعیت را نیز زیر سؤال می‌برد، غیرقابل بخشش است و اشد مجازات را در برخواهد داشت. اما روشن نبودن و عدم شفاف‌سازی مصادیق مقدّسات باعث شده است تا بعضاً شاهد اهانت‌هایی از سوی افراد ناآگاه و یا شاید مغرض باشیم. از این رو، باید در قانون مجازات اسلامی، برای ابهام‌زدایی و شفاف‌سازی و مشخص کردن حدود و ثغور بعضی واژه‌ها از جمله واژه «مقدّسات» تمهیداتی اندیشیده شود.

پیش از آنکه نظرات و آراء فقها در خصوص مصادیق مقدّسات بیان شوند، بجاست مصداق «ساب النبی»، که در ماده ۵۱۳ قانون «مجازات اسلامی» به آن اشاره شده است بررسی شود:

### آراء فقها در خصوص مصداق سَابِ النَّبِيِّ

در کتاب قاموس قرآن، ذیل واژه «سب» آمده است: «سب: دشنام، در صحاح آمده: "السب: الشتم."» راغب و اقرب آن را دشنام دردناک و سخت گفته‌اند.<sup>(۱۱)</sup>

با مراجعه به کتب فقهی، به این نتیجه می‌رسیم که تفاوت میان «سب» و «اهانت» دقیقاً روشن نیست؛ یعنی فقها صریحاً نگفته‌اند چه لفظی سب است و چه عملی اهانت. اما آنچه مسلم است اینکه «سب» در لغت، به معنای دشنام دادن است و «اهانت» به معنای کوچک کردن و تحقیر. این نیز روشن است که دشنام دادن به افراد چیزی جز اهانت به ایشان نیست. بنابراین، به نظر می‌رسد اهانت اعم از سب باشد؛ چرا که مثلاً، اعمال توهین‌آمیز نظیر پاشیدن اجسام کثیف بر سر افراد یا شکستن تخم مرغ بر سر کسی از مصادیق اهانت محسوب می‌شود، در حالی که سب و دشنام نیستند. از این رو، شاید بتوان از نظر منطقی، رابطه میان سب و اهانت را از نوع عموم و خصوص مطلق دانست؛ بدین معنا که هر سبی اهانت است، ولی هر اهانتی سب نیست.

با توضیح مذکور و مراجعه به آراء فقها، ملاحظه می‌شود که نظرات متفاوتی پیرامون بحث «ساب النبی» ارائه شده، به گونه‌ای

آراء بعضی کلاً با بعضی دیگر متفاوتند.

شیخ طوسی در النهایه می‌نویسد: هر کسی پیامبر خدا ﷺ یا یکی از ائمه علیهم‌السلام را دشنام دهد، خونس هدر می‌رود و بر هر کس که این سب را بشنود، چنانچه خوف از نفس خودش و دیگری نداشته باشد، کشتن او واجب می‌گردد؛ ولی چنانچه بر نفسش و یا بر بعضی از مؤمنان ضرری در حال یا آینده متوجه شود، تعرّضی بر او نیست.<sup>(۱۲)</sup>

صاحب جامع الشرائع<sup>(۱۳)</sup> نیز تنها پیامبر و حضرت علی علیهما السلام را مشمول حکم «ساب النبی» دانسته است. اما شیخ نجفی صاحب جواهر الکلام<sup>(۱۴)</sup> و فاضل هندی در کشف اللثام،<sup>(۱۵)</sup> «ساب النبی» را شامل پیامبر و ائمه اطهار علیهم‌السلام دانسته‌اند.

اما بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی ره در تحریر الوسیله می‌فرماید: «الحاق صدیقه طاهره علیها السلام به فرزندان از ائمه اطهار علیهم‌السلام خالی از وجه نیست. بلی، اگر دشنام به صدیقه طاهره به دشنام رسول‌الله برگردد، بدون شبهه دشنام‌دهنده کشته می‌شود.»<sup>(۱۶)</sup>

با مراجعه به ماده ۵۱۳ قانون «مجازات اسلامی»، ملاحظه می‌شود که این ماده با امعان نظر به فتوای حضرت امام ره تدوین شده و لازم الاجراست. از این رو، اگر شخصی به مقدّسات اسلام و پیامبر و ائمه اطهار علیهم‌السلام و حضرت صدیقه زهرا علیها السلام اهانت نماید، مشمول حکم «ساب النبی» شده است و حکم ارتداد وی صادر خواهد شد.

با توجه به موارد یادشده، به نظر می‌رسد حقوقدانان و قانونگذاران لازم است تلاش‌های بیشتری در جهت روشن نمودن ابهامات و شفاف‌سازی کلمات کلیدی موجود در قوانین نمایند و واژه‌هایی از قبیل «ساب النبی» یا «مقدّسات» و مصادیق آن‌ها را در متن قوانین مشخص نمایند تا چنانچه از سوی غرضورزان و ناآگاهان مورد تعرّض واقع شدند، به راحتی بتوان مجازات این جرایم را تعیین نمود.

پس از بررسی ماده ۵۱۳ قانون «مجازات اسلامی»، به خلأهای قانونی موجود در قانون «مجازات اسلامی» پرداخته می‌شود که لازم است به طور جدّی مورد پیگیری قانونگذاران قرار گیرند.

### خلأ قانونی اهانت به مراجع مسلم تقلید

در بررسی موارد قانونی «توهین»، ماده‌ای قانونی برای توهین‌کننده به مراجع مسلم تقلید مشاهده نمی‌شود؛ یعنی با تفحص در قانون مجازات اسلامی، خلأ ماده‌ای قانونی برای مجازات توهین‌کننده به مراجع مسلم تقلید حس می‌شود، در حالی که با وجود جایگاه ویژه‌ای که مراجع تقلید نزد عموم مردم دارند، به نظر می‌رسد لازم است تمهیدی اندیشیده شود تا به طور جداگانه، یک ماده قانونی

در قانون مجازات اسلامی به این امر اختصاص داده شود.

با توجه به جایگاه و اهمیت بحث مرجعیت و تقلید، باید مراجع و مرجعیت را نیز، که به عنوان بازگوکنندگان مسائل شرعی از تقدس ویژه‌ای نیز برخوردارند، از مصادیق مقدّسات اسلام به شمار آورد تا با وضع قانون، از هرگونه توهین و تعرّض به مقام مرجعیت و تقلید جلوگیری به عمل آید.

ناگفته نماند که در قانون مطبوعات، ذیل ماده ۲۷ به این مطلب اشاره شده است: «هرگاه در نشریه‌ای، به رهبر یا شورای رهبری جمهوری اسلامی ایران یا مراجع مسلم تقلید اهانت شود، پروانه آن نشریه لغو و مدیر مسئول و نویسنده مطلب به محاکم صالحه معرفی و مجازات خواهند شد.» (۱۷)

اما باید توجه داشت که این ماده برای کسانی اجرا خواهد شد که از طریق انتشار مطالب وهن‌آور در نشریه‌ها و جراید اقدام به چنین عمل شیعی کنند و در مکان‌ها و زمان‌های دیگر، نظیر ایراد سخنرانی در مجامع عمومی و خصوصی بر اساس این قانون لازم‌الاجرا نیست.

### خلأ قانونی اهانت به مقدّسات سایر مذاهب رسمی

ماده قانونی دیگری که وجود آن در متن قانون «مجازات اسلامی» حس می‌شود، تعیین و توجه به مجازات توهین‌کننده به مقدّسات سایر ادیان و مذاهب است. در ماده ۵۱۳ قانون «مجازات اسلامی» مشاهده می‌شود که تنها آن دسته از مقدّساتی از ایشان که مورد تأیید اسلام باشد، مشمول حکم این ماده قرار می‌گیرد.

لزوم تقنین ماده‌ای قانونی برای اهانت به مقدّسات سایر مذاهب و ادیان آنجا ظهور پیدا می‌کند که عدم توجه به مقدّسات سایر مذاهب مشکلات گوناگونی از جمله اخلال در امنیت کشور را می‌تواند به دنبال داشته باشد.

دکتر میرمحمد صادقی در این باره می‌نویسد: «حمایت از مقدّسات سایر مذاهب عمده جهان در قبال اهانت، حتی اگر آن مقدّسات مورد تأیید ما نیز نباشند، از آن رو ضروری است که اهانت به باورهای مذهبی سایرین، علاوه بر اینکه کاری خلاف اخلاق سلیم و وجدان بشری است، می‌تواند موجب اخلال در امنیت داخلی و خارجی کشور شود، ولی برخورد مناسب با توهین‌کننده آرامش را به بیروان مذهب مورد اهانت بازگردانده و از برهم خوردن امنیت کشور، که احتمالاً در نتیجه اقدامات مستقل آن‌ها رخ خواهد داد، جلوگیری می‌کند...» (۱۸)

با توجه به مطالب ذکر شده، به نظر می‌رسد زشتی و قباحیت جرایمی نظیر «توهین»، که اصولاً جزو جرایم اخلاقی محسوب می‌شوند، آن‌گونه که لازم است روشن نشده؛ چرا که به راحتی در میان افراد نسبت‌های ناروا، دروغ و توهین مبادله می‌گردند و در بیشتر موارد نیز تعقیبی متوجه فرد مجرم نمی‌شود.

### راهکارهای پیشنهادی

در پایان، راه‌کارهایی برای پیش‌گیری از وقوع چنین جرایمی یا دست‌کم کاهش آن‌ها در جامعه پیشنهاد می‌شوند:

۱. مطبوعات با گستردگی خود می‌توانند مکان مناسبی برای بیان و شفاف‌سازی ماهیت و قباحیت این‌گونه جرایم باشند.
۲. فرهنگ‌سازی و سوق دادن جامعه در جهت تبیین جرایمی مانند توهین و مضرت آن‌ها (دنیوی و اخروی) می‌تواند در کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی ناشی از این جرایم مؤثر واقع شود.
۳. بررسی و تبیین ماهیت این‌گونه جرایم توسط حقوقدانان مجرب و ارائه نظرات جامع و بدیع، با توجه به اینکه جرم «توهین» جرمی مطلق است - یعنی نیاز به نتیجه ندارد و صرف ایجاد عمل وهن‌آور و یا گفتاری که موجب توهین مخاطب شود این جرم محقق و قابل مجازات و تعقیف خواهد بود - مسلم است که عدم آگاهی عامه مردم از تحقق سریع این جرم و قابل مجازات بودن آن سبب شده است تا بعضاً به راحتی شاهد وقوع این جرم بدون پی‌گیری و تعقیب جزایی باشیم.

امید است با تمهیدات لازم، برای روشن شدن ماهیت جرایمی همانند توهین، دیگر شاهد وقوع بی‌قید و بند این‌گونه جرایم اخلاقی و حیثیتی نباشیم.

### پی‌نوشت‌ها

- ۱- علی اکبر دهخدا، لغتنامه دهخدا، تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، ۱۳۳۸، ج ۱۶، ص ۱۱۴۸.
- ۲- جعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوقی، تهران، چاپخانه خواجه، ۱۳۴۶، ص ۱۸۲ / ص ۱۸۲.
- ۴- عباس قدیانی، فرهنگ اصطلاحات حقوق جزا، مؤسسه فرهنگی عابدزاده، ۱۳۷۵، ص ۳۱.
- ۵- غلامرضا حجتی اشرفی، مجموعه کامل قوانین و مقررات جزایی، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۲، ص ۱۴۱.
- ۶- احمد سیاح، فرهنگ بزرگ جامع نوین، (ترجمه المنجد)، انتشارات اسلام، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۲۸۶ / ص ۱۸۴۹.
- ۸- فرج‌الله قربانی، مجموعه کامل قوانین و مجازات اسلامی، فردوسی، ۱۳۷۵، ص ۱۶۷.
- ۹- حسین میرمحمد صادقی، حقوق کیفری اختصاصی (جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی)، نشر میزان، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۱۶۴.
- ۱۰- عباس زراعت، شرح قانون مجازات اسلامی، نشر فیض، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۹۸.
- ۱۱- سید علی اکبر قریشی، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۲۰۵-۲۰۶.
- ۱۲- شیخ طوسی، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، گردآوری در سلسله التبیان الفقہی، علی اصغر مروارید، «کتاب الحدود» انتشارات دارالتراث الاسلامیه، ق.
- ۱۳- ابوزکریا الهذلی، الجامع الشرائع، ص ۳۹۱.
- ۱۴- محمدبن حسن بن محمد النجفی، جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۱۵، ج ۴۱، ص ۴۴۸.
- ۱۵- محمدبن حسن بن محمد الاصفهانی، کشف اللثام، فراهانی، ۱۳۹۱، ق، ج ۲.
- ۱۶- روح‌الله الموسوی الخمینی، تحریرالوسیله، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۴۷۷.
- ۱۷- قانون مطبوعات و آیین‌نامه اجرایی، انتشارات اداره کل مطبوعات داخلی و فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹، ص ۱۰.
- ۱۸- حسین میرمحمد صادقی، پیشین، ص ۱۶۵.